در وادی مهر

قصیده ۱۱۰ بیتی بدون نقطه

در مدح مولا علی (علیه السلام)

کمال الدین فراهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

انتشارات وثوق

قم - تلفن : ۰۲۵۱-۷۷۳۵۷۰۰
همراه : ۰۹۱۲۲۵۲۲۳۷۷

در وادی مهر

قصیده ۱۱۰ بیتی بدون نقطه در مدح مولا علی (ع)

سراینده : کمال الدین فراهانی (همایون)

ناشر : انتشارات وثوق

حروفچینی و صفحه آرایی : تحریر خانه اراک ۲۲۲۵۳۳۲

نوبت چاپ : اول - ۸۶

قیمت : ۵۰۰ تومان

تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه

شابک : ۴-۳۴-۲۵۹۴-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش : قم خیابان صفائیه کوی ممتاز فرعی اول سمت راست پلاک ۲۳

تلفن : ۰۲۵۱-۷۷۳۵۷۰۰ همراه : ۰۹۱۲۲۵۲۲۳۷۷

در وادیِ مهر

قصیده ۱۱۰ بیتی بی نقطه در مدح

سلطان اولیا حضرت علی(ع)

سراینده: شاعر معاصر، کمال‌الدین فراهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

استاد ادبیات دانشگاه اراک جناب آقای دکتر علیرضا مقامی

«مادح خورشید مدّاح خود است»

«که دو چشمم روشن و نامُرمَداست»

ستایش شاه اولیا، علّی مرتضی، خویشتن را به داشتن فهم درست ستودن است. چه بسا کسانی که به زیور تولّی آراسته نبوده، لیکن علّی علیه‌السلام را ستوده‌اند؛ یعنی فطرت سلیم و وجدان پاکشان آنان را بر آن داشته که حق را، حقیقت را، اصل عدالت را و انسانیت انسان را بستایند.

شعر مشهور امام شافعی برای خواننده‌ی محترم ناآشنا نیست:

ماتَ الشّا فِعِی وَلَیْسَ یَدْرِی

عَلِیٌّ رَبُّهُ اَمْ رَبُّهُ اللّه

کتاب‌ها و مقالاتی که غیر مسلمانان در باب سترگی و شگرفی وجود علی علیه السلام به رشته ی نگارش کشیده و نام این اعجوبه ی آفرینش را زینت افزای کلام خویش کرده‌اند، نیز حاکی از این مدّعاست و این همه مدح علی علیه السلام نیست، بلکه ستایشگر، بزرگی خود را به منصّه ی نمایش گذاشته‌اند که: علی را می‌شناسد، فتأمّل!

به هر روی، هر کس به زبانی صفت و مدح علی را گفته، «بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه» سخن پردازانی که سخن خویش را به مدیح دنیا داران آلوده‌اند، چه بد یادگاری از خویش بر جای نهاده‌اند و آنان که به مناقب و فضایل حقّ محض و حقیت مجرد یعنی قافله سالار جوانمردی - علّی عالی اعلیٰ - رطب اللّسان گشته‌اند چه نام نیکویی برای خویش رقم زده‌اند. آری:

بلبل به باغ و جغد به ویرانه تاخته

هر کس به قدر، هَمت خود خانه ساخته

عاشقان علی علیه السلام هر یک به گونه‌ای عشق خویش را

متجلّی کرده‌اند یکی که خوش نویس بوده با خط نگاری، دیگری که تصویر گر بوده در پرده ی تصویر، و آن یک که شاعر بوده با رشحه ی قلم. حتی جلوه هایی جالبی از این عشق را در کار «اهل حروف و اعداد» می‌توان دید[۱]

اینک نیز دفتری پیش رو داریم که فاضل ارجمند و نسّابه‌ی نحریر - کمال الدین همایون فراهانی - ذوق خود را به محکّ آزمون سنجیده و یکصد و ده بیت به

۱-نمونه‌ای از این کارها را برای ثبت در صحایف و رهاندن از مخمصه ی تلف در اینجا می‌آورم

عدد اسم جمله موجودات	ضرب در «شش» نمای ای استاد
«یک» بیفزای و جمله را در «ده»	ضرب کن، حاصل آن چه روی بداد
تا توانی از آن بیفکن «بیست»	بنگرش پس بقیه اعداد
ضرب در «یازده» نمای آن را	این به نام «علی» درست افتاد

به عنوان نمونه «آسمان» بنا به حساب ابجد می‌شود (آ = ۱ + س = ۶۰ + م = ۴۰ + ا = ۱ + ن = ۵۰) و مجموعا ۱۵۲.

۱۵۲×۶=۹۱۲

۹۱۲+۱=۹۱۳

۹۱۳+۱۰=۹۱۳۰

۹۱۳۰ ÷ ۲۰=۴۵۶ باقیمانده ۱۰

۱۰×۱۱=۱۱۰ علی (ع = ۷۰، ل = ۳۰، ی = ۱۰)

عنوان حروف نام علی به حساب جُمَّل، در مدح و منقبت آن امام عارفان سروده است.
وجهه دیگر این سروده‌ها التزامی است که سراینده در سروده‌ی خویش داشته که همه ی واژگان به کار گرفته شده بی نقطه (= مُهمِل، عَطِل) باشد.

این را اِعنات یا لزوم ما لایلزم از جنس «طرح» است. طرح در اصطلاح ادبا افکندن حروف مُعَجم یا مُهمل است در شعر یا نثر و برای آن سه قسم بر شمرده‌اند. قسمی را که سراینده در این سروده به کار گرفته «شعر مُعَطّل» است. وقتی حروف عَطِل یعنی بی نقطه در کلام نیاید - به اعتبار عُطلَت کلام از حروف معجم - به این کلام، چه نظم باشد چه نثر «معطّل» گفته می‌شود.

از نمونه‌های نثر معطّل «سواطع الالهام» در تفسیر قرآن شریف و «موارد الکَلِم» در مکارم اخلاق هر دو از ابوالفیض فیضی فیّاضی - نویسنده و شاعر قرن یازدهم شبه قارّه قابل یاد کرد است. در نظم نیز تا آن جا که در

لا به لای برگ‌های آشفته ی حافظه‌ام به جا مانده، ابیاتی انتقادی است از عبدالقادر بیدل عظیم آبادی و دهلوی:

علم‌ها محو در آثارِ رسوم

حاصل مردمِ عالم معلوم

همه را درش، سلوکِ اطوار

لوک[۱]، در درسِ حصولِ اسرار

و نیز ابیاتی از مجیرالدین بیلقانی شاعر آذربایجانی قرن ششم و شاگرد خاقانی شروانی، به این عبارت:[۲]

که کرد کارِ کَرَم مَردوار در عالَم

که کرد اساسِ مکارم مُمَهَّدو محکم

عمادِ عالَم عدل و سِوارِ[۳] ساعدِ مُلک

اَساسِ طارمِ اسلام و سَروَرِ عالَم

۱- کسی که دستش معلول باشد.

۲- منقول از المعجم فی معاییر اشعار العجم اثرشمس الدین قیس زاری، ص ۴۳۶.

۳- سِوار: زیور دست، دست بند.

مَـلِکْ عُـلُوّ عُـطارِدْ عـلومِ مـهرْ عـطا

سِماکْ رُمحِ اَسَـدْ حـمله و هـلالْ عَـلَم

سُرورِ اهل مکـارِم، هـلاکِ عُـمْرِ عـدوّ

سَرِ ملوک و دل آرامِ مُلْک و اصلِ حِکَمْ

محمّدْ اسمِ عُمَر عدل و کام او در دهر

ملوک وارد درآورد رسمِ عدل و کَرم

کلام او هَمه سِحْر حلال در هر حـال

مـرادِ او هـمه اعـطاءِ مـالْ در هـر دَم

دلِ مِـطهّرِ او هـم دَمِ کـلامِ عـلوم

درِ مکـرّمِ او مُـوردِ صـلاحِ اُمَـم

رسـومِ عـادلِ کـرده حُکْمِ عـالم رد

سَمومِ حملهٔ ی او کرده کامِ اعـدا کـم

هم او و هم دل او دارِ عـدل را مـعمار

هـم او وهـم دَرِ او دردِ را مـرهم

مدامْ طالِع مسـعود کـرده حـاصلِ او

هـمه رسـومِ مکـارم، هـمه عُـلُوّ هِـمَم

به صراحت -که دوست می‌دارم پیشه‌ام باشد- بگویم شگفت می‌دانم که خوانندگان محترم از این نوع سروده انگشت حیرت به دندان بگزند، بلکه ظنّ من بر آن است که پرچم خلاف برافزازند که دوران این نوع سرودها به سر آمده و چه و چه... امّا عنایت خواننده ی عزیز را معطوف می‌نمایم به این جهت که چه در دوره‌های پیشین چه در حال حاضر و نه تنها در این خطّه بل در پهنه ی شعر معاصر در جای جای جهان - تفنّن در سرودن شعر امری مطبوع بوده است (برای دیدن نمونه‌های قدیم به صفحات ۳۹۰ تا ۴۰۰ کتاب المعجم شمس قیس رجوع شود)، منتهی اگر این تفنّن‌ها به خطّ لاتین باشد به دیده ی تحسین و اعجاب بدان می‌نگریم و گمان هیچ اِن قُلتی در حقّ آن روا نمی‌داریم.

سراینده ادّعا ندارد که همه ی انواع و اجناس شعر را تعطیل کنید و «شعر معطّلَ» بسرایید، بل می‌خواهد آن چه در طبق اخلاص داشته به خاک پای مولیٰ و مقتدای خود پیشکش کند.

صرف نظر از این موارد، نکته ی گفتنی دیگر این است که استحکام و انسجام کلام در همه جای سروده یکسان نیست و شاید نکته سنجان انگشت نقد بر جای جای این سروده بگذارند. امّا بنده یادآور این نکته‌ام که سرودن شعری تفنّن آمیز و آمیخته با اعنات اندکی غضّ نظر و غمض عین را ضرور می‌سازد.

با عنایت به آثار و سروده‌های دیگر جناب کمال الدین همایون فراهانی می‌توان اذعان داشت که در آینده نیز آثار شایان و در خور دیگری از ایشان به زیور طبع آراسته شود، به خصوص در زمینه ی مدایح و مناقب اهل البیت و آل اللّه که همواره باید زیباترین آثار و ارجمندترین سروده‌ها را به آستان این بهانه خلقت کوْن و مکان تقدیم کرد.

علیرضا مقامی عید میلاد سفینه ی نجات امت - حضرت امام حسین علیه‌السلام

۱۳۸۵/۵/۶ اراک

آغاز قصیده

مـــرا در وادی مـــهر عــلی آمــد دو صــد آوا

دو صــد دُرّ و دوصــد گــوهر دو صــدها لؤلؤلالا

کــلام کــردگار و احــمد و احــرار در ادوار

دهــد در طــرّه مــوی عــلی روح مــرا مأوا(۱)

عــلی دارد عــلوّ ســورهٔ دهــر(۲) و دگــر دارد

مــعالی کــرم را هــم رســوم اهــل اعــطارا

۱- ستایشهایی که از علی (ع) در کلام خداوند (قرآن و احادیث قدسی) و نبی مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله (احادیث وارده از آن حضرت در باب فضائل علی علیه‌السلام) و آزاد مردان در طول دوره‌های تاریخی وارد شده عشق مرا به علی بیشتر می‌کند بدانسان که روح و دل و جان مرا در طرّه (پیچش) موی علی علیه‌السلام آشیان می‌دهد و دلبستگی و وابستگی مرا به آن جناب بیشتر می‌سازد.

۲- سوره دهر سورهٔ ۷۶ قرآن است که ۳۱ آیه دارد مفسران خاص و عام نقل کرده‌اند این سوره در حق اهل بیت: نازل شده است. مجمل شأن نزول بر طبق روایت کشاف و غیره آنکه:

حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام سه روزه روزه نذر کرده بود برای شفای حسنین و همچنین فاطمه و فضه و بعد از شفا یافتن هر پنج (علی و فاطمه - حسنین و فضه) روزه گرفتند شب اول یک صاع جو از جمله سه صاع که قرض گرفته بودند آرد کرده پنج نان پخت کردند هنگام افطار مسکینی درب خانه را زد کمک خواست حضرت علی نان خود را به او داد بقیه آن بزرگواران هم به علی اقتدا کرده نان خود را به مسکین دادند و با آب افطار کردند شب دوم یتیمی در خانه را زد و به همین قرار نان خود را به او بخشیدند شب سوم هم به اسیر. روز چهارم در حالی

مـــه و مـــهر سـما مـحو مـه روی ولی اللّـهٔ

ســـلام آرد گـــل روی عـــلی را آدم و حـّـوا(۱)

که حضرت صلی الله علیه و آله نظاره گر چهره پژمرده اهل بیت و نگران آنان بود جبرئیل با این سوره نازل شد و تحیت و مدح الهی را رسانید.

... یُوفُونَ بِا النَّذْرِ و یَخافُونَ یوماً کانَ شَرُّهُ مُسْتَطیرا(۷) و یُطعِمُونَ الطَّعام عَلی حُبّه مِسکیناً و یَتیماً و اَسیرا (۸) اِنَّما نُطْعِمُکِمْ لِوَجْهِ اِللهِ لا نُرِیدُ مِنکُمْ جَزاءً و لا شُکُوراً(۹) اِنَّا نَخافُ مِنْ رَبّنا یَوْماً عَبوساً قَمْطَریراً

۱- ابن بابویه در کتاب آل از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده، چون حقتعالی آدم و حوا را در بهشت متمکن گردانید ایشان در روضه فردوس می‌خرامیدند و خود را در غایب عزت و احتشام می‌دیدند. وقتی آدم به حوا گفت خدانیکوتر از تو نیافریده است و بر لوح وجود هیچکس رقمی زیباتر از تو نکشیده است، حقتعالی امر کرد به جبرئیل که ایشان را به فردوس اعلی ببر. چون آدم و حوا به فردوس اعلی در آمدند نگاه کردند دختری دیدند بر بساطی از بساطهای بهشت نشسته و تاجی از نور بر سر و در گوشواره از نور در گوش و ساخت بهشت از نور روی او چون آفتاب درخشان گشته.

تو رخ نمودی و عالم تمام نورگرفت.

آدم گفت ای جبرئیل این دختر کیست که رظل جنان از نور وی چنین نورانی گشته جبرئیل گفت این فاطمه است دختر محمد صلی الله علیه و آله که پیغمبر آخرالزمان خواهد بود. گفت آن تاج بر سر وی چیست؟ گفت: زوج وی علی است. گفت آن گوشواره‌ها چیست؟

گفت فرزندان وی حسن و حسین اند. آدم گفت: ای جبرئیل اینان پیش از من آفریده شده‌اند؟ جبرئیل گفت: ای آدم اینان موجود بودند در غامض علم الهی پیش از آنکه تو آفریده شوی به چهار مزار سال (روضة الشهدا- ملاحسین واعظ کاشفی ص ۱۲۲)

آندم که خانه بر سر کوی تو ساختم آدم هنوز محرم خلد برین نبود

علی عالی، علی اعلا، علی آمر علی مولا
علی آدم، علی سام و علی روح اَلّه و موسی [۱]
علی مُلک و ملائک را امام و مالک و آمر
علی هادی علی حامی علی ممدوح ما اَوْحی
علی لوط و علی داود، علی هود و علی محمود
رسول الله اکرم را علی همراه و هم آوا
علی اصل و مدار آمد [۲] ۴ اسد هر کردگار آمد
مصممّ مرد کار آمد هِمَم را اُسوهٔ اَعلیٰ

آندم که ما به بار امانت در آمدیم   جبرئیل بر خزانه رحمت امین نبود

۱- یعنی علی علیه‌السلام واجد فضایل و حضایل همه پیامبران علیهم‌السلام است بعلاوه تمام کتبی که از آسمان نازل شده و علوم و کمالات و آثار و آیات انبیاء و مرسلین از صحف آدم، ادریس و ابراهیم و توریه و عصای موسی گرفته تا انجیل عیسی و زبور داود و انگشتر سلیمان و غیسر آن هر چه بهر پیغمبری داده شده خداوند برای پیغمبر ما محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله جمع کرده و از آن حضرت به علی علیه‌السلام و از علی به خلفاء یازده گانه‌اش رسیده است.
معجزات حضرت علی علیه‌السلام نیز هر کدام بطور جداگانه یادآور و تکرار یکی از معجزات پیامبران گذشته است که برای شرح آن باید به کتب معاجز مراجعه کرد.
۲- حضرت علی علیه‌السلام فرمود: اِنّا صَنایعُ رَبِّنا و النّاسُ بَعْدُ صَنایع لَنا ما ساخته شده خداییم و مردم برای ما ساخته شده‌اند. (این یکی از معانی ارائه شده بر این

علی در سوره‌ها لامع [۱] علی در ملک دل ساطع

علی دلدادهٔ اَللّه و دلدار همه دلها

علی دائم علی صائم علی عالم علی حاکم

علی احکم علی اعلم علی اولی علی احلی [۲]

علی و العصر و الطور و صراط و صاد و رعد آمد

علی آمد دَرِ علم رسول سرمدی طاها [۳]

حدیث شریف است.

در حدیث دیگری از امام سجاد علیه‌السلام روایت شده: خداوند به حضرت آدم علیه‌السلام هنگام مشاهده اشباح و انوار خمسه طیبه فرمود: هٰولاءِ خِیارُ خَلیقَتی و کِرامُ بَریتی بِهِمْ اخُذُ و بِهِمْ أعطِی و بِهِمْ أعاقِبُ و بِهِمْ أثِیبُ فَتَوَسَّلْ بِهِم. (بحار کمپانی ج ۷ ص ۳۵۱).

۱- وقتی به شان نزول آیات نگاه می‌کنیم حضرت علی علیه‌السلام را در متن آیات لامع و درخشان می‌یابیم. هر جای قرآن سخن از مومنین و متقین است علی علیه‌السلام در راس آن قرار گرفته است.

۲- علی احلی (شیرین‌تر) است. ارتباط شیرینی با علی ضمن شیرینی گفتار و کلمات آن حضرت حدیثی است که می‌فرماید: ولایت ما به پدیده‌های هستی عرضه شد هر چیزی که ولایت ما را پذیرفت شیرین و هر چیزی که نپذیرفت تلخ شد.

۳- اگر عصر را که خداوند در سورهٔ والعصر به آن قسم خورده به معنی زمان بگیریم امام آن علی است. اگر بمعنی نماز عصر بگیریم روح و شرط قبولی آن علی است. اگر بمعنی بعثت بگیریم ثمره آن علی است و اگر بمعنی عصر ظهور ولی عصر (عج) بگیریم جلوه آن در ولایت علوی است زیرا علی علیه‌السلام در عصر ظهور رجعت نموده و حکومت خواهد کرد.

در پس پرده نه مهدی که علی هم آنجاست
هر دو را سلطنت عدل جدا خواهد داد

اما و الطور سوره پنجاه و دوم قرآن است که آیه ۱۷ آن می‌فرماید: اِنَّ المُتَّقینَ فی جَنّاتٍ و نَعیم و علی امام متقین است.
اما صراط در روایت از علی علیه‌السلام تعبیر به صراط اقوم و صراط مستقیم گردیده است اما سوره ص با آیات ص و القرآن ذی الذّکر آغاز شده که علی علیه‌السلام قرآن ذی الذکر ناطق است.
اما سوره رعد سوره سیزدهم قرآن که آیه چهارمش آیه ذیل است که
و فیَ الارضِ قِطَعٌ مُتَجاوِزات و جَنّاتٌ مِن اعنابٍ و زَرْعٌ و نَخیلٌ صِنوانٍ و غیرُ صِنْوان...
ابن ابی حماد که یکی از رواةمعتبر اهل اسلام است روایت می‌کند که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که از قول جابربن عبدالله خطاب به علی علیه‌السلام که فرمود که یا علی مردمان از درختان متعددند و من و تو از یک درختیم. پس این آیه (از سوره رعد) را تلاوت فرمود که:
وَ فِی الارضِ قِطعٌ الخ و به روایت دیگر فرمود: من اصل آن درختم و علی فرع آن است.
این است منظور حقیر از این مصرع:
علی و العصر و الطور و صراط و صادر و رعد آمد.
مصرع دوم: گرچه همه خوانندگان روایت معروف آنا مدینَةُ العِلمِ و علیٌ بابُها را می‌دانند لیکن بتبرکاً دو روایت را متذکر می‌گردم: چون دوران زندگی ظاهری

محمد صلی الله علیه و آله مِهر در آل کسا و ماه هم مولا

همه آل رسول الله او والدِ اعلی (۱)

علی أُسطوره عدل و علی در داوری اعدل

وَرع را أُسوه کامل أُمَم را والی والا

پیامبر خاتمه یافت جبرئیل بر آنحضرت نازل شد فرمود: نبوت شما منقضی و ایام شما کامل شد پس اسم اکبر و میراث علم نبوت رابه علی بسپار.

ب)- حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر هنگام وفات مرا به آنچه تا روز قیامت واقع می‌شود آگاه گردانید. (اخبرنی بما هو کائن ای یوم القیامه)

۱- حدیث علی ابوذریة النبی (پدر نسل پیامبر) را ابن عباس چنین بازگو نموده که:
وقتی از حجةالوداع بازگشتیم در مسجد کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می‌دانید چه می‌خواهم به شما بگویم؟
گفتیم خداوند و رسول داناترند.
فرمود: خداوند بر من منت نهاد وقتی مردم را بوسیله من راهنمایی کرد و من بر مردم منت می‌گذارم که آنها را بوسیله ابن عم و پدر ذریه‌ام علی رهنمایی کرده‌ام آگاه باشید کسی که بوسیله آنان هدایت جوید نجات می‌یابد و کسی که از آنان تخلف و رزد گمراه می‌گردد.
ایها الناس الله الله فی عترتی و اهل بیتی فاطمة بضعةٌ منی و ولداها عضدی و انا و بعلها کاالضیاء اللهم ارحم من رحمهم و لاتغفر لمن ظلمهم ثم دمعت عیناه و قال کانی انظر الحال.
(بحارالانوار ۲۳/ ۱۳۴ - الروضه فی فضائل امیرالمومنین -سدید الدین شاذان بن جبرائیل القمی نشر امین قم ع ص ۱۷۶)

علی را طاهره، اُمّ الائمه، همسر و همدم
مهی که سوده سر در درگه والای او سارا
علی را همسری آمد سراسر مهر او در دل
رسول الله را حاصل ولا را لالۀ حمرا(۱)
علی روح کرم ماه اُمَمْ کوه هِمَم آری
علی مر سائل و محروم و آواره در اِعطا
علی کَرار در حمله علی سردار هر عرصه
سِلاح او صَلاح عدل و داد و حاوی اِلّا(۲)
علی کُلّ ملائک را مُعلّم در سلوک آمد(۳)
که او در مَدْرس اَسرار آمد حاملِ اَسما

۱- حضرت زهرا علیها السلام حاصل رسول الله و لالۀ سرخ بوستان ولاء علی علیه السلام است.
۲- شمشیر زدن علی علیه السلام به نفع جامعه برای کندن غده‌های مضرّ و مهلک و سرطانی و در راه برافراشتگی عدالت و حاوی پیام توحید بوده است
۳- روایت است که روزی جبرئیل در خدمت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله به صحبت مشغول بود که امیرالمومنین علیه السلام وارد شد. جبرئیل چون آن حضرت را دید برخاسته شرایط تعظیم بجا آورد. حضرت رسالت فرمود: یا جبرئیل از چه جهت به این جوان تعظیم می‌کنی؟ عرض کرد: چگونه تعظیم نکنم که او را بر من حق تعلیم است. حضرت فرمود: چه تعلیم؟ جبرئیل عرض کرد در وقتی که حقتعالی مرا خلق کرد از من پرسید تو کیستی و من کیستم؟ من در جواب متحیر ماندم و ساکت شدم. مدتی در مقام تحیر بودم این جوان در عالم نور به من ظاهر گردید

علی علم و علی حلم و علی لوح و علی کرسی
علی اسم و علی رسم و مراد سوره ی اَسریٰ[(۱)]

و بدین طور تعلیم نمود که بگو تویی پروردگار جمیل ودادار جلیل و منم محتاج ذلیل بنده ات جبرئیل.
لهذا چون او را دیدم تعظیمش کردم و شرایط ادب بجا آوردم.
آنحضرت پرسید: مدت عمر تو چند است؟
عرض کرد: یا رسول الله ستاره‌ای هست که در هر سی هزار سال یکبار طلوع می‌کند و من تا بحال سی هزار بار طلوع آن ستاره را دیده‌ام.
از این جهت حضرت فرمود: لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا یعنی اگر کشف حجاب از این جسد خاکی شود مرا رتبه وصول به عالم نور بهم رسد یقین من زیاده نمی‌شود و بر علم من چیزی نمی‌افزاید چه علم من بذات احدیث و صفات صمدیت و یقین من به صفات واجب الوجودی که در صفات سلبی و ثبوتی او به مرتبه عین القین رسیده‌ام کامل است و به درجه‌ای ترقی نموده که دیگری را وصول به آن مرتبه میسرنیست.(تحفةالمجالس / ابن تاج الدین / ص ۸۱)

۱- سُبْحانَ الَّذي اَسرىٰ بِعَبدِهِ لَيْلاً مِنَ الْسِجدِ الْحَرام اِلَى الْمَسجِدِ الاقصى الَّذي بارَكنا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آياتِنا اِنَّهُ هوِ السَّميعُ البَصير (آیه ۱ سوره اسری)
پاک و منزه است خدایی که در مبارک شبی بنده خود محمد صلی الله علیه وآله را از مسجد حرام به مسجد اقصی که پیرامونش را به قدوم خاصّان خود مبارک و پرنعمت ساخته سیر داد تا آیات و اسرار غیب خود را به او بنماید که خداوند بحقیقت شنوا و بیناست.
در باب خصوصیات معراج از بیت المقدس به آسمان احادیث بسیار وارد شده که در بیداری بدون مفارقت روح از بدن و به تایید ربانی بوده است.
طبق روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام خداوند صدوبیست مرتبه رسولش را به

علی حامی علی هادی علی طاهر علی اطهر

علی سامی علی رامی علی اصل همه آلا

علی ادوار را محور، هوادار ره داور

علی دُرّ و علی گوهر علی در هر دلی والا

علی سالار احرار و علی سردار سرورها

کلام او مرام او همه سرلوحه ی دلها

علی حلال هر امری که دارد صد گره محکم

که آمد در أطاعَ اللّه مولا اعمل و أولی(۱)

علی اصل اصول ما علی روح رسول ما

علی راه وصول ما علی لولاک را لولا(۲)

آسمان سیر داد و در هر مرتبه بولایت حضرع علی علیه‌السلام و فرزندانش بیش از سایر فرائض و واجبات تاکید ورزید.

۱- اشاره به آیه شریفه: مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللّهَ کسی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را اطاعت کند به تحقیق خدا را اطاعت کرده است.

۲- علی لولای لولاک است. خداوند به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: لولاک لما خلقت الافلاک (اگر تو نبودی من افلاک را خلق نمی‌کردم) سپس فرمود: و لولا علیّ لما خلقتک (و اگر علی نبود ترا خلق نمی‌کردم)

در علل، عیون و کمال از امام رضا علیه‌السلام از پدرانش، امیرالمومنین علیه‌السلام مرویست: که پیامبر فرمود: لولا نحن ما خلق آدم و لاحواء و لا الجنه و لا النار و

علی در راس آل اللّه، علی صمصام و رُمْحُ اللّه

علی آگاه و سر اللّه مراد عَلَّمَ الْاَسما(۱)

لا السّماء و لاالارض (الخبر)

اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا، بهشت و جهنم و زمین و آسمان را نمی‌آفرید. شیخ مفید در حدیث معراج بعد از تصریح به‌گزینش بنی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین از سوی خداوند می‌گوید:

انَّهُمْ خزّانُ عِلمِی - فَلَوْلاکُمْ ما خَلَقْتُ الدُّنیا و لَا اْخِرَةِ و لَا الْجنَّةِ و النّارِ.

۱- اشاره به آیه شریفهٔ ۳۱ از سوره بقره:

عَلَّمَ الآدَمَ الاَسْماءَ کُلَّها ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَی الْمَلائکَةِ فَقالَ اَنبِئوُ بِاَسماءِ هولاءِ اِنْ کُنتُمْ صادِقینَ

خدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم داد. آنگاه حقایق آن اسماء را در نظر آن فرشتگان پدید آورد و فرمود اگر شما در دعوی خود صادقید اسماء اینان را بیان کنید. در روایات عالم همه اسماء را به آدم تعلیم داد. آنگاه حقایق آن اسماء اینان را بیان کنید و روایات اسماء در این آیه نام پنج تن آل عبا علیهم السلام دانسته شده است. در روایتی وارد شده حضرت آدم علیه السلام پرسید: خدایا آنان نزد تو چه جایگاهی دارند و نام آنان چیست؟ خطاب رسید ای آدم نظر نما به سوی عرش. چون نظر نمود دو سطر را به نور عرشی نوشته دید سطر اول لا اله الا الله محمد نبی الرحمه و علی مفتاح الجنه

سطر دوم: سوگند خورده‌ام بذات مقدس خودم که رحم کنم به کسی که با آنان موالات داشته باشد و عذاب کنم هر که را با آنان دشمنی نماید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: فرزندان آدم در خانه‌ای جمع شدند و راجع به بهترین خلق خدا بحث شان بالا گرفت در اینجال (شیت) هبة الله است چون مشکل را دانست گفت اندکی صبر کنید تا به سوی شما باز گردم. پس به نزد پدرش حضرت آدم علیه السلام آمد و مشکل را با او در میان نهاد. حضرت آدم علیه السلام فرمود: من نزد خدا ایستادم سطری را دیدم که نوشته بود: بسم الله الرحمن الرحیم محمد و ال محمد

مُــعمّای اولی الامــر و مــمالک را هــمه مــالک

مــحاکــم را هــمه مــعالی را هــمه دارا

عــلی مــعمار اسلام و مــوسس رادمــردی را

مســاعد کــرد او راه صــدور مســلک طــاها

عــلی را مــدح و اکــرام رســا آمــد مــحال ای دل

کــه او درکــودکی دارد اِلهــی اَغــطِ لی حکما(۱)

خیر من کل مخلوق خلق الله محمد و آل محمد صلوات اله علیهم از هر مخلوقی که خدا آفریده بهترند. (حیاة القلوب / چاپ سنگی ص ۲۰)

۱- حضرت ابراهیم علیه‌السلام طبق آیه ۸۳ سوره شعرا به پروردگار عرض کرد:
رَبِّ هَبْ لِی حکماً و اَلحِقنیِ با الصّالِحِین و اجْعَلْ لِی لِسانَ صدقٍ فِی الاخرین.
حضرت علی در کودکی از فرمانروایی الهی برخوردار بود و آثار فرمانروایی الهی از او می‌تابید چنانچه فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) می‌گوید:
چون فرزندم علی متولد شد از هاتف غیب ندای لاریب شنیدم که ای فاطمه این مولود را علی نام کن زیرا که نام من علی الاعلی است و من او را از قدرت و عزت و جلال و عدل خود آفریدم و نام او را نام خود جدا کردم و او را خود تربیت نمودم و به آداب خود متادّب گردانیدم. (فضائل و معجزات شمس المحدثین ص ۲۸) امام حسین علیه‌السلام نیز فرمود: و اللهِ ما خَلَقَ اللّهُ شیئاً اِلاّ و قَدْ اَمَرهُ بِاالطّاعَةِ لَنا. بخدا قسم خداوند چیزی را نیافریده مگر اینکه آنرا امر فرموده که مطیع و فرمانبر ما باشد. بعلاوه در نوجوانی علی اعلان ولایت او شد.
مفسران در تفسیر و اَنذِرْ عَشیرَتَکَ الْاَقربینَ می‌گویند پیامبر پس از سه سال دعوت سرّی خویشان خود را دعوت کرد و حضرت علی علیه‌السلام در آن روز ۱۳ یا ۱۵

کلام او همه سحر و همه شُکر حلال آمد
که در سمرادها داده[۱] کمال و علم دلها را

علی اعمال را محور علی احرار را سرور
علی صَلِّ علی احمد علی صلّ طاها

علی سامع علی ساطع علی مطلع علی طالع
حصار محکم و واسع که دارد سود در سودا

علی مُصْلح علی صالح عدوی مردم طالح
که آمد حاسد او هالک و آواره و رسوا[۲]

ساله بوده است سپس اعلان رسالت کرد و جز علی ایمان نیاورد. در چنین هنگام رو به خویشاوندان خود نمود فرمود:

مردم این جوان برادر و وصی و جانشین من میان شماست به سخنان اوگوش دهید و از او پیروی کنید (اِنَّ هٰذا اَخی و وَصیّی فَاسْمَعُوا لَهُ و اَطیعُوهُ)

۱-سمراد= وهم وخیال و پندار

۲- قال اللّه تعالی: اَمْ یَحْسُدون الناسَ عَلی ما آتیهُمُ اللّه مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَینا آلَ ابراهیمَ الکِتابَ و الْحِکْمَةَ و آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظیماً (نساء ۵۴)

آیا حسد می‌ورزند بر افرادی که مورد فضل و الطاف پروردگار واقع شده‌اند. براستی که ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم (پادشاهی بزرگ) داریم.

در کتاب شریف کافی ۵ روایت در کتاب بصائر نه روایت و تفسیر نور الثقلین و برهان منجاوز از بیست روایت و در بحارالانوار ج ۲۳ منجاوز از شصت

علــــی روح رســـول و هـــم رســـول اللـــه روح او
ادامـــــه مـــــی‌دهد راه عـــــلی راه مـــــحمد ﷺ را

علی مسطور در لوح و علی مسطور در کرسی
عـــــلی مـــــولود مســـعود حـــرم در مکـــه‌ی والا

علی مُسْلِم علی اسلام علی داروی هر آلام
عـــــلی دلدل ســـوار عـــرصه اَســـرار لا اِحْـــضا(۱)

روایت نقل شده که محسود (کسی که مورد حسد واقع می‌شود) در این آیه ائمه طاهرین علیهم‌السلام هستند. (اثبات ولایت / شیخ علی نمازی شاهرودی ص ۳۴)

۱- عن انس بن مالک عن سلمان الفارسی قال رسول الله ﷺ صاحب سری علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

ترجمه:

از سلمان فارسی (رضی الله عنی) روایت شده که پیامبر عظیم الشأن ﷺ فرمود: صاحب اسرار من علی بن ابیطالب است.

(الاربعین / محمدرضا بانی کاشانی به نقل از تاریخ دمشق ج ۲، ۳۱۱)

در فضائل امیرالمومنین سدیدالدین شاذان نیز از آن حضرت مروی است: «هٰذا خازِنُ سِرّي فَمَنْ أطاعَهُ فَقَدْ أطاعَني و مَنْ عَصاهُ فَقَدْ عَصاني.

اسرار لااِحْضا- مخفف لااِحصاء له است. زیرا طبق احادیث قدرت احصا و شمارش برای فضائل علی علیه‌السلام نیست.

علی حی و علی واحد علی ما را همه والد

علی دلمرده را روح و علی آواره را مأوا

معادل در مکارم آمده مولا محمد صلی الله علیه و آله را[۱]

صلا دارد کلام کردگاری مدح سَوّا را

علی آمال اهل دل محامد را همه واصل

علی عامل علی کامل عصای مردم اَعْمی

مُسِدّ راه او مطرود در هر دوره ی عالم

ولی دارد علی دائم درود و مدح ما اَدْریٰ[۲]

۱-از حلیه حافظ ابونعیم روایتکرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت: یا علی من بر تو زیادتی دارم به پیغمبری زیرای پیغمبری بعد از من نیست. و تو بر سایر صحابه... مزیت و فضیلت تو از همه بیشتر است.

در اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام بالاتر است تردیدی نیست.

ولی از همه به پیامبر و مکارم آنحضرت نزدیکتر بلکه دارنده همه مکارم او علی علیه السلام است. در فردوس الاخبار روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی به منزله سر من است از بدن و بگروهی از منافقان فرمود: نماز بگذارید و زکات بدهید یا اینکه می‌فرستم بسوی شما مردی را که به منزله نفس من است یعنی علی علیه السلام. در ذخائر العقبی است از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله که اِنَّ علیاً مِنّی و اَنا مِنْه و هو ولیُّ کِل مومن مِنْ بَعْدی - در مقام پدری امت هم پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: من و علی پدران این امت هستیم.

۲- و ما اَدْریکَ ما لیلة‌القدر که اشاره به حضرت زهرا علیها السلام و شرافت آن بی

لواء الحـمد[۱] را دارد عـلی در عـرصهٔ مـوعود
کـه داده وعـدهٔ امـداد مـا را در دل صـحرا
عـلی هـمگام طـاها و امـام اول عـالم
عـلی آرام دلهـا و دمـادم دادرس مـا را

بی دو عالم برای حضرت علی علیه‌السلام است.
۱ - از کتاب مناقب ابن مغازلی نقل شده استک
سوال شد از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که یا رسول الله چه کسی صاحب لواء و پرچم امت در روز قیامت؟ فرمود: صاحب لواء من در دنیا علی بن ابیطالب است.
از کتاب مناقب خطیب خوارزمی نقل شده از طریق سعید بن جبیر از ابی عباس که گفت: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: یک وقتی بر مردم در قیامت می‌آید که سواره‌ای در آن پیدا نمی‌شود مگر ما چهار نفر عباس عموی پیامبر عض کرد پدر و مادرم به فدای تو باد آن چهار نفر کیانند؟ فرمود: من هستم که بر براق سوار می‌شوم. و برادرم حضرت صالح است که بر شتر خود که قومش دست و پای آن را قطع کردند سوار می‌گردد. دیگر عموی من حمزة بن عبدالمطلب است که بر اسب من عضباء سوار می‌شود و برادر من علی بن ابیطالب است که بر اسبی از اسبان بهشتی سوار می‌گردد. به نقل صاحب تاریخ دمشق انس بن مالک سوال کرد: پدر و مادرم به فدای تو باد چه کسی صاحب لواء شما در رستخیز است؟ حضرت پاسخ دادند: صاحب لواء من در قیامت آن کسی است که در دنیا پرچم من بدست اوست و اشاره فرمود به سوی حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام (الاربعین فی فضائل امیرالمومنین / بانی کاشانی ص ۷۳)

عـــلی ای کـوهسار مــهر و احســاس و کـرم، مـا را

مـــدد در مـــوعد مـــرگ و هـــراس و هـــلهٔ کَـــلّا[۱]

مـــدد دردام ســـــرسام مـــعاصی ای دل آرامـــم

مـــدد درگـــاهِ عُســـر و حـــمله‌های کـــاری اعـــدا

عـــلی مـــدح و ســـرود مـــا عـــلی حَـد و حـدود مـا

ســـماع ســـروهای واله و کـــوی دل خْـــورا

دل مـــولا عـــلی مـــاه ســـماءِ ســـروری راوک[۲]

ولی در عـــرصه دلدل ســواری کـــوس رعـد آسـا

۱-وهلهٔ کَلّاهنگامی است که انسان از دنیا را سپری کرده و نتایج اعمال زشت خود را دیده لذا از خدا در خواست می‌کند که مرا بدنیا بازگردان تا جبران کنم. اما از مصدر جلالت ندا می‌رسد: کَلّا (هرگز بازگشتی به دنیا نیست) این حقیقت در آیه‌های ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون بازگو شده است:

حَتّی اذا جآءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قالَ ربِّ ارجِعُونِ لَعَلّی اَعْمَلَ صالِحاً فیما تَرَکتُ کَلّاز اِنَّها کَلِمَةٌ هُوَ قائلُها و مِنْ وَرائِهِمْ بَرزخٌ اِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ

ترجمه: (کافران در غفلتند) تا آنگاه که وقت مردن هر یک فرا رسد در آن حال آگاه و نادم شده گوید بارلها مرا بدنیا بازگردان تا شاید به تدارک اعمال گذشته عمل صالحی انجام دهم. به او خطاب شود «کلّا» هرگز چنین نخواهد شد این کلمه را از حسرت همی گوید و ثمری نمی‌بخشد که از عقب آنها برزخ است، تا روزی که برانگیخته شوند و به مشحر در آیند.

۲- راوَک = لطیف، پالایش شده.

حسـام سـلک مـحمودی عداد رمـله در عـرصه

در آورده دمـار عسگـر مکـار و عـاصی را

دل و صـدر عـلی مـهد کـلام اللـه و سـرّ او

لئـالی حِکَـم آمـد ره آورده عـلی مـولا

عـلی راه کـرام آمـد دل آرای هُـمام آمـد

علی احـمد مـرام آمـد عـلی در اوگ(۱) دل هـورا(۲)

کـرم راه سـماوی عـلی در عـرصه عـالم

عـلی سّـر الاهـی و عـلی مُـمْلّیِ(۳) هـر امـلا

مُـصَلاّی عـلی صـدر سـما و عـالم عِـلْوی

مَـلَک مـامور و مأمـوم عـلی در عـالم اعـلی(۴)

۱- اوگ= بلندی

۲- هورا= خورشید بزرگ (مخفف هورای) یعنی علی در بلندی دل خورشید سان می‌تابد. و هور به معنی خورشید است بدون قید بزرگی.

۳- املاء کننده.

۴- از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرولیست: ملائکه خدمتکاران ما و دوستان مایند. یا علی آنهایی که حاملان عرشند و بر دور عرش به تسبیح و حمد خدا مشغولند برای کسانی که به ولایت ما ایمان دارند استغفار می‌کنند. خدا اول ما را خلق کرد بعد ملائکه را. چون ملائکه خلق شدند و ارواح ما را دیدند در نظرشان بسیار عظیم آمد. پس گفتیم سبحان الله تا ملائکه بدانند ما خلق شده ی خداییم و خدا منزه است از اینکه شباهتی به ما داشته باشد یا آنکه صفات ممکنات در او

کسـی کـه کـرده در راه ولا و مـهر او اهـمال

رهـا و مُـهمَل و مـحروم گـردد در هـمه آرا

عـلی سـر واد(۱) هـر سـالک علی اسم الاه مـا

عـلی سـرو سَـهْیِ مـردمِ دلداده و والا

عـلی مـولا مـوالی را عـلی واصـل مـعالی را

کـه صـدها حُـلّه عـلم و عـمل آمـد ورا اهـدا

دعـاهای عـلی درسِ کـمالِ اَکْـمَلِ آدم

صـلاهای عـلی طـرح سـلام و سِـلْم را دارا

عـلی مـاه و عـلی هـاله، عـلی سرو و گل لاله

اسـاس طـارم اسـلام و اصـل عسکـر طـاها

باشد. ملائکه چون تسبیح ما را شنیدند خدا را تسبیح کردند و منزه از صفات دانستند. فرشتگان چون بزرگواری شأن ما را مشاهده نمودند لااله الله گفتیم تا ملائکه بدانند خدا شریک در بزرگواری و عظمت ندارد و ما بندگان خداییم و در عظمت و خداوندی او شریک نیستیم. فرشتگان چون رفعت ما را دیدند ما الله اکبر گفتیم تا بدانند ما با توفیق و تایید او به این درجه رسیده‌ایم و خدا بزرگتر از آن است که کسی بدون توفیق و تایید او بتواند به این بزرگی و شکوه برسد. فرشتگاه چون قدرت ما را مشاهده کردند ما گفتیم: لا حول و لا قوة الا بالله تا بدانند که قوت و توانایی ما از جانب خداوند است... پس ملائکه بوسیله ما هدایت یافتند. (عین الحیواة / علامه مجلسی (رحمه الله) ص ۱۳۷).

۱- سرواد= سرور - شعر

صـــدا کـــرده عـــلی را هـــر ولی و مـــرسل و ســـالک

روود ســـــوی عــــــلی آوای اَدْرِکْ اَلْـــمَدَد مَــــولا

عـــلی مـــوسای هـــر وادی هـــمه اَحـــرار را هـــادی

علی در واو هر سامه [۱] عـــلی درهـــای هـــرهورا [۲]

عــــلی داعـــی الی اللّـــه و مـــع اللّـــه و صـــراط او

عــــلی الحـــمدلله و عـــلی صـــامَ عـــلی صَـــلّا [۳]

۱- سامه= قسم(اشاره به او و سوگندهای قرآنی)

۲- هورا= خورشید. مخفف هورای هور خورشید و هورای خورشید بزرگ است.ها به منزله چشم هورا و همه اختران سپهر انسانیت چشم به علی دوخته‌اند. از نظر ظاهری هم محمد بن عباس بن علی بن ما هیار معروف به ابن جحام در تفسیر خود فیما نزل فی اهل البیت من القران به سند خود از جابر روایت کرده که گفت: عمار را در کوچه‌ای دیدم سراغ پیامبر راگرفتم گفت: در مسجد است. به مسجد شدم پس از نماز بامداد برخاست میان دو دیده علی را بوسید و فرمود یا علی برخیز و با آفتاب سخن گوی که آفتاب با تو سخن می‌گوید. اهل مسجد برخاستند و استبعاد می‌کردند. علی بیرون آمد به آفتاب خطاب کرد: کَـیفَ اَصْبَحْتَ یا خَلْقَ الله قالَ اَصْبَحْتُ بِخَیْرٍ یا اَخا رسول اِلله یا اوّلُ یا آخر یا ظاهر یا باطن یا مَنْ هو بِکُلِّ شیئٍ عَلیم. (فضائل و معجزات /شمس المحدثین حسینی ص ۳۷ از ج ۲).

۳- صام= روز گرفت. صلی= نمازگزارد یعنی‌آن جناب بالاترین مفهوم نماز و روزه و بهترین نمازگزاران و روزه داران است.

مـــحمد ﷺ مـــادح او آمـــده در عِـلْمُهُ عِـلْمِي

هـــمه عـــلم مـــرا دارد عـــلی عـــالیِ اعـــلا

عــلی مُـعَطّیِ هـر سـائل عـلی سـوی سـما راحـل

علی اصل الوریٰ صدر الوریٰ مـمدوح در اَعْـطی[1]

رســول ســرمدی را در حــرا هـمدم عـلی آمـد[2]

مـــر او را وحـــیِ دادار اَحَـد آمـد هـمی اَمـلا

۱- آیه ۵ از سوره لیل: فَأَمّا مَنْ أَعْطیٰ واتّقیٰ اما آنکس که بخشید و پرهیزگار بود و تصدیق کرد نیکوتر را پرورگار حکیم در این آیه از عطا و بخشش نام برده بدون اینکه چیزی را که بخشیده می‌شود معین کند. زیرا اصل بخشندگی و بخشش هر چه می‌خواهد باشد مورد توجه و ستایش است. خواه مالی، خواه آبرویی و خواه بدنی.

بهترین معنی همان است که مجمع البیان از قول حضرت باقرعليه‌السلام نقل کرده که فرمود: اعطی مما اتاه اللّه از هر چه خداوند داده ببخشید و بدهد.

طبعاً حضرت علیعليه‌السلام بالاترین مصداق انفال مال و جان و عطای مّما اتاه اللّه در راه خداوند متعال است.

۲- اتفاق تاریخ نویسان بر این است که نخستین کسی که از مردان ایمان به پیامبرﷺ آورد علی بود.

علیعليه‌السلام خود در خطبه قاصعه در این باره می‌فرماید:

(لقد کان یجاور فی کل سفه بحراء فاراه و لا یراه غیری و لم یجمع بیت واحد یومئذٍ فی اسلام غیر رسول اللّه و خدیجه و انا ثالثهما اری نور الوحی و الرساله و اشم ریح النبوه) (نهج البلاغه عبده ج ۲. ۱۸۲ طبع مصر)

علـــی سـر سـلسله آل رسـول و دوده ی او را

مـواسـی رسـول اللـه اکـرم در هـمه عسـری

دل هـر واصـل مـهر گـل روی عـلی لامـع

دل اعـدای مـولای مـوالی مـرده و اَحـوی[۱]

عـلی ای شـلمُهُ سِـلْمی عـلی ای روحـه روجـی

عـلی ای اَمُـرهُ اَمـری عـلی ای کـاسر الکسـری[۲]

عـلـی دامـاد احـمد، حـاملِ رمـح و لواء او

عـلی در دادگـاه عـدل احـمد داور دعـوی

عـلی دادار را حـامد عـلی اسـلام را حـامی

سِـوار سـاعد مُـلک[۳] و عـطای کـردگار مـا[۴]

۱- احوی: سیاه (فَجَلَهُ غُثاءً أحوىٰ)

۲- کاسر: شکننده حضرت علی شکننده هیبت کسری‌ها و قیصرها و شکننده بت‌ها بود. حدیث علی کاسرالاصنام معروف است.
قال رسول الله صلی الله علیه و آله یا علی اول من کسر الاصنام جدک ابراهیم ثم انت یا علی. (الروضه فی فضائل امیرالمومنین علیه السلام بنقل از بحار، فضائل، تاویل الایات و تفسیر البرهان و مناقب خوارزمی)

۳- سِوار: زیور

۴- بالاترین عطا و نعیم الهی را باید ولایت علی و آل علی علیهم السلام دانست. ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعیم (تکاثر / آیه ۹) پس در آن روز از نعمتی که به شما داده شده قطعاً بازپرسی می‌شود. مفسران روایات بسیاری را درباره بازخواست شدن

علی را مادح و حامد عمر هم آمده،آری
که او لولا علی هالک عمر را می‌دهد آوا[۱]

علی عطر دل آسای ولا و رحم و دلداری
علی ماه سمای دل علی مهر سحر آرا

علی اُردْیِ گلهای وِداد و مهر و همعهدی
علی رحم الهی را سرا و مصدر و ماوا

از نعمتها و عطاهای حق در روز قیامت نقل کرده‌اند. از یک آب سرد و اندک پوشاک تا سایه‌ای که آدمی دمی در آن بیاساید تا تندرستی و سلامتی اعضاء و جوارح و ثروت و جوانی و آسایش و غیرها. اما روایتی از امام علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

خداوند بزرگوارتر از آن است که از این جزئیات بپرسد مقصود از نعمتی که مردم مسئول آن هستند و باید جواب بدهند نعمت ولایت است. لفظ ثم «پس» را اگر برای ترتیب با فاصله بدانیم باید معنی دیدن دوزخ را به چشم یقین، همان دیدن از خارج بگیریم یعنی وقتی از گور در آمدید دوزخ را می‌بینید پس از مدتی به موقف حساب رفته بازپرسی (از ولایت) می‌شوید و اگر به معنی علاوه بگیریم معنی چنین می‌شود که در قیامت علاوه بر شدائد فراوان و رفتن به دوزخ باز خواست هم هست. (تفسیر نوین / شریعتی / ص ۳۱۹)

۱- عمربن خطاب بارها در قضاوتها بیراهه رفت و حضرت علی علیه‌السلام به داد متهمین رسید و حکم الهی را با دلایل باهره و واضحه‌اش بیان فرمود و عمر اقرار کرد: لولا علی لهلک عمر اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد(و پرونده را با حکم ناحق می‌بست) این کلام به لحاظ تکرار مواردی که حضرت علی علیه‌السلام حقیقت مسائل را بر او مکشوف می‌گردانید بکرات و مَرات از عمر صادر شد.

ولای آل مـــولای دو عـــالم در هـــمه حـــالی
عـــماد مـحکم اصـل و اصـول مسـلک طـاها
کـــلام هـــر کســی کـم آورد در مـدح عـلم او
دهـــد مـــا را مـــدد هـــر دم اگـــر هـر مـادحی کَلاً
ولای او مـــدار عـــالم دوّار در اَدوار
اگـــر مَـداح او آمـــد مَـلَک در طـارُم اَعـلیٰ
ادامـــه مـــی‌دهد سـعد و سـرورم را ولای او
ولا او را گـــو مـــراد و ســاحل هَـلْکیٰ
دم احـــمد دم مـــولا دم مـــولا دم احـــمد
عـلی لحـم و عـلی روح و عـلی رگـهای طـاوها
صـــراحـــی مـــی طـاهر دهـد دادار مـولا را
کـه کـام اهـل دل را او دهـد حـال و دهـد حـلوا
سلاسل را علی اصل و رسائل را علی مطلع[۱]
مسائل را عـلی مُسئَل مـعمای اَلَـمْ آوی[۲]

۱- علی اصل همه سلاسل سادات ذی سعادت است زیرا خداوند نسل هر پیامبری را از صلب خودش قرار داده اما نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از صلب ابن عم و دامادش علی بن ابیطالب علیه‌السلام قرارا داده است و علی سرآغاز همه رساله‌ها و نوشته

اگـر گـمکرده راهـی رو سـوی درگـاه و دار او

کـلام اللـه در مـدح عـلی دارد هُـوَ اَهْـدیٰ (۳)

عـلی را داده دادار دو عـالم سـلطهٔ واسـع

هـمو در صـدر اعـلام و عـلم در عـرصه‌ی دلهـا

هاست. سرلوحه دعوت همه پیامبران ستایش شده سرایندگان.

۲- مُسْئَل: مورد سوال کسی یا چیزی که درباره او سوال می‌کنند. اَلَمْ یَجِدْکَ یَتیماً فَآویٰ آیا خدا ترا یتیم نیافت پس پناه داد و تو را از شر دشمنان نگهداری کرد.

۳- اَهْدیٰ: کسی که بهتر راه اطاعت را رفته است.

در سوره‌های ذیل بکار رفته است:

سورهٔ ۴ / آیه ۵۱

سورهٔ ٦ / آیه ۱۵۷

سورهٔ ۱۷ / آیه ۸۴

سورهٔ ۲۸ / آیه ۴۹

سورهٔ ۳۵ / آیه ۴۲

سورهٔ ۴۳ / آیه ۲۴

سورهٔ ٦۷ / آیه ۲۲

با دقت در مجموع آیات استفاده می‌شود هدایت شده‌ترین یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله کسی است که خداوند متعالی پرچم هدایت را بدوش او نهاده و وصی حقیقی و خلیفه تحقیقی حبیبش قرار داده است.

هـــوای مـــاسَعی را او هـــمای ســـاعی و صـــاعد

کـــه در هـــر کـــار والا و مکّـــرم آمـــده اَســـعی[۱]

عـــلی دارو عـــلی مـــرهم عـــلی مُـحْرم عـــلی مَـحْرم

دهـــــد ســـــردی دلهـــا را دمـــادم اســـم او گـــرما

عـــلی عـــدل و عـــلی داد و مـــلاک عـــدل هـــر عـــادل

عـــملکرد عـــلی دارد صـــلای اِغْـــدِلو ا مـــا را[۲]

عـــلی اَمـــلاک را مـــالک[۳] عـــدو اللّـــه را هـــالک

صـــراط اللّـــه را ســـالک عـــلی اوّل ســـرود لَـــا[۴]

۱- اشاره به آیه شریفه لَیْسَ لِلاِنْسانَ اَلّا ماسَعی که برترین مصداق سعی و کوشش در راه حق در وجود مولای علی علیه‌السلام جلوه گر است. (کوشاترین)

۲-اِغْدِلوا: عدالت پیشه کنید. این فعل امر در دو جای قرآن آمده است:

الف: سوره مائده / آیه ۸

یا اَیُّها الَّذینَ امَنوا کُونُوا قَوّامینَ لِلّٰهِ شُهداءَ بِالْقِسط و لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنآنَ قومٍ عَلٰی اَن لٰا تَعْدِلوا اِعْدِلواهو اَقْرَبُ لِلتَّقویٰ و اتَّقُوا اللّهَ خَبیرٌ بِما تَعْمَلوُنَ

ب: سوره انعام / آیه ۱۵۲

و اِذٰا قُلْتُمْ فَاعْدِلوا وَ لَوْ کٰانَ ذٰا قربی

هرگاه سخن گویید به عدالت گرایید هر چند درباره خویشان باشد و در آیه قبل در مقابل افراد مقابل امر اِعْدِلوا (عدالت پیشه کنید) صادر شده است.

۳- یکی از نامهای خدا مالک است و علی مظهر اسماء خداست. بعلاوه خداوند

علی عاصم[۵] علی معصوم علی در راه دل مهموم
علی عالم علی معلوم علی عَمَّ علی امّا[۶]

دو صد عَمار را دارد علی در مدرس عِلْوی
که آمد مسطر علم و کمال و ردّ ما دَسیَّ[۷]

سماوی درسِ او دارد دو صد رهگوی والا را
همه دلداده ی «لا» و همه آواره «الّا»

املاک و افلاک را بخاطر خمسه طیبه خلق فرموده است.

۴-اولین کسی که ندای لا اله الا الله را پس از بعثت سر داد علی بود گر چه پیش از آن نیز وجودمقدسش ایمان و توحید محض بوده است اول سرود لا اشاره به اول السابقین بودن علی علیه‌السلام است.

۵- عاصم: پناه دهنده

٦- فامّا من اَعْطی و اتّقی (لیل /۵) اما کسی که عطا کرد و تقوا ورزید. این آیه در شأن حضرت علی علیه‌السلام نازل شده است (به کتب تفسیر مراجعه شود)

۷- دَسّی: پلید گرداند. در این بیت آیه شریفه و قَد خابَ مَنْ دَسّیها (هر که او را به کفر و گناه پلید گرداند بتحقیق زیانکار خواهد بود) در سوره مبارکه والشمس مدّ نظر بوده است.

حضرت علی خط کش علم از جهل، کمال از نقص و زداینده‌ی اسبابی است که باعث می‌شود انسان مشمول پلید شدن شود.

- رهگو: کسی که جلوی کاروان رجز می‌خواند. شاگردان علی پیشاپیش کاروان عشق رجز انسانیت می‌خوانند. که دلداده لا (نفی خدایان دروغین) و آواره

دَرِ دارُالوِلٰـــاءِ او دهــد آوا مــلک دائـــم

عــلی در مٰـاسِوی اللّٰــه و عــوالم والیِ والا

عــلی گـــاه مــعاد مــا مــددکار و مــدد آور

دهــد اهــل ولا را کــام دل در مــحملَ اَعْــطی[۱]

اَهَـــمّ هــر مــهم آمــد عــلی را رهــروی آری

ره مـــولای عـــلی آرد ســلوک وصــل دلهــا را

عـــلی را کــرده حک حَکّــاک عــالم در هــلال رو

عــلی در روی مــا لامــع مُــعلاً و هــلال آســا[۲]

عـــلی آراء مـــردم را مــلاک آمــد مــحک آمــد

عـــلی عــلّام هــر عــلم و مُســهِّل هــر مُــعمّا را

مقام توحید هستند که در اِلّا منجلی است.

۱- فعل اَعْطیٰ در قرآن در سه سوره بکار رفته است.

سوره‌های:

۲۰ / آیه ۵۰ (قال رَبُّنَا الّذی اَعطیٰ کُلَّ شیءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدیٰ)

۵۳ / آیه ۳۴ (واَعْطیٰ قلیلاً و اَکْدیٰ)

۹۲ / آیه ۵ (فامّا من اعطی واتّقیٰ)

در این بیت اعطی در سوره‌های ۲۰ و ۹۲ مراد است.

۲- از این شعر زیبای بوعلی سینا الهام گرفته‌ام:

بر صورت چهره کابت لم یزلی   معکوس نوشته است نام دو علی

دو عین و دو واو با دو یاء معکوس   از حاجب و عین و الف با خطّ جلی

اعادی را علی مُهلک عساکر را علی آمر
علی اسمی که دارد سکه مسکوک در رَمْی[۱]
وصّی رادمرد و حارس محروسهٔ عالم
وَلّی اهل اسلام و امام اوّل او ما را
علی اهداگر مرگ دو صدها عمرو در عرصه
همی مهدور او وُر کاسهای[۲] عسکر اعدا
علی وسواس را ماحی علی اسلام را راهی
علی اول ولی عهدو وصّی و حامی طاها
علی ماه و علی سال و علی عصر و علی اصال
علی روح دهور و سورهٔ اَلدَّهر را مأوا
علی هم در حرا آمد کلام اللّه را سامع
رسول اللّه را همراه در اِدراکِ ما اَوُحیٰ

۱- اشاره‌ای است به آیه شریفه و ما رَمَیْتَ و لِکنَّ اللّه رَمی (هنگامی که تو تیر می‌زنی بدان که خداست تیر می‌زند و آن را به هدف می‌رساند)
۲- ورکاس: کرکس و پرندگان بزرگ هیکل. پهلوانان و درشت هیکلان سپاه ظلمت.

علی هادی علی مهدی امام ماسِوی اللّهی

طلا گردد مس دل در ولای دوده ی مولا

علی در کودکی در مهد آمد مهلک ماری

که می‌آمد سوی گهواره عاصی و عدو آسا

همه احوال او آمد لمالم[1] وَحْدَهُ وَحْدَه

هو اللّه احد هم طور او در سِلکِ ما وَصیّ[2]

علی در عرصه‌ها اطلس مر او را سوده سر هر کس

هلاک مور او کرکس اَسَدْ حمله، اَحَد آوا

۱-لمالم: مالامال، پراپر، لبالب

۲- ماوَصیَّ: آنچه به آن وصیت کرد است (وصایای خدا به پیامبر الهی و توصیه آنان به دیگران منظور است)

اشاره به آیه شریفه:

وَ وَصیَّ بِهٰا ابراهیم بَنیهِ ویعقوبُ یا بُنَیَّ اِنَّ اصْطَفٰی لَکُمُ الدّینَ فَلا تَمُوتُنَّ اِلّٰا مُسْلِمون (بقره /۱۳۲) ابراهیم و یعقوب راجع به تسلیم بودن در فرمان خدا سفارش و توصیه کردند بدینگونه که‌ای فرزندان ما خدا شما را به آیین پاک برگزیده پیوسته از آن پیروی کنید تا گاه جان سپردن الا تسلیم رضای خدا نباشید و

اشاره به آیه ۱۳ سوره شوری:

شَرعَ لَکُمْ مِنَ الدّینِ مٰا وَصیَّ بِهِ نوحاً و الَّذي اَوْحَیْنٰا اِلَیْکَ...

خدا شرع و آیینی را برای شما مسلمانان قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم.

هوای مدح او دارم صلای لا و هو دارم
صله اکرام او دارم ولاءِ او مرا کالا
سرکوی علی مهد دعای آدم و حوّا
در درگاه او مهد رکوع همسر سارا
علی وادی طور ما علی کل سرور ما
علی اصل صدور ما علی اول علی اولیٰ
علی مردم مدار و مردمّی و مصلح وْ صالح
علی در داوری دارد لوای محکم عَدْلی
علی اسم الّه و رمح الّه (۱) و سّرالّه اکرم
علی روحُ الّه و علم الّه و عهد الّهِ اَعْلی (۲)
عصاره مر رسل آمد علی صهر رسول اللّه
معالیِ رُسُل را او سراسر حاوی و دارا (۳)

۱- رُمْح: نیزه

۲- عهد خدا با پیغمبران که هیچ پیامبری را بدون ولایت علی بن ابیطالب مبعوث نکرده است خدا از ذریت آدم نیز پیمان گرفت که آیا علی امام شما نیست همه گفتند بله (عین الحیواة ص ۱۳۹)

۳- به اسانید معتبره بسیار از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده است: خدا را دو علم هست یک علم مخصوص اوست که به احدی تعلیم نفرموده است و یک علم

سـموم حـملهٔ او مـهلک هـر مـمسک و مـلحد
عـلی را کـی هـماورد و هـمالی[۱] آمـده کَـلّا

عـلی مـهر الهـی در دل اهـل ولا دارد
کـه آمـد مـدّعا را مـدرک وحـیِ لَـهُمْ وُدّا[۲]

مـعالمرا مُـعَلِّم او مکـارم را مُکَـرّم او
مـحامد را مُـحَمّد او کـه آمـد هـر سـه را دارا

(کـمالا) مـدح مـولا را دمـادم مـی‌سُرا، مـا
مـرو در درگـه هـر کس سـوای دوده ی مـولا

هست که تعلیم پیامبران و ملائکه فرموده که ما آنرا می‌دانیم و فرمود: اگر من در میان موسی و خضر می‌بودم ایشان را خبر می‌دادم که از هر دو داناترم و علمی چند به ایشان می‌آموختم که ایشان خبر نداشتند.(عین الحیواة /۱۱۳)

احمد بن حنبل در مسند و احمد بیهقی در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده: هر که خواهد نظر کند به نوح در عزم او و به ابراهیم در حلم او و به سوی موسی در زیرکی او و به عیسی در زهد او پس نظر کند به علی بن ابیطالب علیه السلام (حق الیقین / ۱۴۸)

۱- همال: هم لنگه، همتا

۲- اشاره به آیه: اِنَّ الَّذینَ امَنوا و عَملوا الصّالحاتِ سَیَجْعَل لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدّا براستی کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند بزودی خداوند برای آنها در دلها محبت و مودت قرار می‌دهد.

نکته‌ای لطیف و نفیس

«نامهای بی نقطه خداوند (جل جلاله) نیز ۱۱۰ عدد است»

حکیم عارف مرحوم آخوند ملا محمد حسن نائینی (طاب رمسه) در جلد دوم کتاب گوهر شب چراغ چاپ ۱۳۲۷ ق ص ۱۲۳ می‌نویسد:

گویند صد و ده اسم خداوندی است بی نقطه که بر آنها آثار غریبه از قبیل وصول به حکمت و علوم عجیبه و دفع آفات و دفع بلیات و انجاح مقاصد و اصلاح مفاسد و کامکاری دارین و سعادت نشأتین و غیرها مترتب است و آنها (۱۱۰ نام بی نقطه خدا) اینهاست.

الم اللّه لا اله الا هو هو اللّه العلی الاعلی و له الاسماء الاعلی (العلی) الالاء العطا السامح المادح الممدوح الروح الراح المصرح الملحح الاحد الصمد الواحد الاحمد الحامد المحمود الواعد الموعود الممدود الصاد المرصاد السداد العماد المعاد العامر المعمور المطهر

الطاهر الطـهور المـصور المكسـر المـدمر الامـر الداهـر الدهـور السـرور المسـرور المـحرس المـاس المـطمس المحصص الصراط الواسط الصارع اللامع المطلع السامع الواسع الموسّع المسِّرع المالک المملوک الملک المـلوک الماسک المدرک المدکدک الاول الماوِل المحلل المعدل المـوکل المـطول المـحصل المسهل المـمکل السـاکـل المسئول المحول الحـول و الاحـوال الحـامل المـحمول الكامل الاكمل العادل الاعدل الواصل الاكرم العالم الاعلم الدائم السالم المسلم الحاكم المحكم العاصم المـعصوم الراحم المرحوم المكارم المكالم المعالم المحرم المطعم السلام الاسلام الاكرام الكلام المدعو العلوّ الحلوّا السموّا الا له المولاه الاوّاه و الاسماء کلها للّه و لامعه و لا اله سواه و الحمدلله کما هو اهله و لا اله الله وحدوه اللهم صل علی محمد و ال محمد و سلم سلاما سلاما.

زیارت امین الله

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

به سندهای معتبر رویت شده از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که امام زین العابدین علیه السّلام به زیارت امیرالمومنین علیه السلام علیه السلام آمد و این زیارت را خواند که بهترین زیارات است که در جمیع مشاهد متبرکه خوانده می‌شود. اگر این زیارت برای غیر حضرت امیرالمومنین علیه السّلام خوانده شود «السّلام علیک یا امیرالمومنین» گفته نمی‌شود.

و زیارت این است: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللّهِ فی اَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلیٰ عِبادِهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یااَمیرَالمُومنینَ اَشهَدُ اَنَّکَ جاهَدتَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ وَ عَمِلْتَ بِکِتابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ حَتیٰ دعاکَ اللّهُ اِلی جِوارِهِ فَقَبَضَکَ اِلَیهِ بِاخْتِیارِهِ وَ اَلْزَمَ اَعْدآئَکَ الحُجَّةَ مَعَ مالَکَ مِنَ الحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلیٰ جَمیعِ خَلْقِهِ اَللّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفسی

مُطْمَئِنَّةٌ بِقَدَرِکَ راضِیَةٌ بِقَضائِکَ مُولَعَةٌ بِذِکْرِکَ وَ دُعائِکَ شاکِرَةٌ لِفَواضِلِ نَعْمائِکَ ذاکِرَةٌ لِسَوابِغِ آلائِکَ مُشْتاقَةٌ اِلیٰ فَرْحَةِ لِقائِکَ مُتَزَوِّدَةٌ التَّقْویٰ لِیَوْمِ جَزائِکَ مُسْتَنَّةٌ بِسُنَنِ اَوْلِیائِکَ مُفارِقَةٌ لِاَخْلاقِ اَعْدائِکَ مَشْغُولَةٌ عَنِ الدُّنْیا بِحَمْدِکَ وَ ثَنائِکَ پهلوی روی خود را بر قبر گذاشته آنگاه میگوئی: اَللّهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتینَ اِلَیْکَ والِهَةٌ وَ سُبُلَ الرّاغِبینَ اِلَیْکَ شارِعَةٌ وَ اَعْلامَ القاصِدینَ اِلَیْکَ واضِحَةٌ وَ اَفْئِدَةَ العارِفینَ مِنْکَ فازِعَةٌ وَ اَصْواتَ الدّاعینَ اِلَیْکَ صاعِدَةٌ وَ اَبْوابَ الاِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَ تَوْبَةَ مَنْ اَنابَ اِلَیْکَ مَقْبُولَةٌ وَ عَبْرَةَ مَنْ بَکیٰ خَوْفِکَ مَرْحُومَةٌ وَ الاِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِکَ مَوْجُودَةٌ وَالاِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِکَ مَبْذُولَةٌ وَ عِداتِکَ لِعِبادِکَ مُنْجَزَةٌ وَ زَلَلِ مَنِ اسْتَقالَکَ مُقالَةٌ وَ اَعْمالَ الْعامِلینَ لَدَیْکَ مَحْفُوظَةٌ وَ اَرْزاقَکَ اِلَی الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْکَ نازِلَةٌ وَ عَوائِدَ الْمَزیدِ اِلَیْهِمْ واصِلَةٌ وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرینَ مَغْفُورَةٌ وَ حَوائِجَ خَلْقِکَ عِنْدَکَ مَقْضِیَّةٌ وَ جَوائِزَ السّائِلینَ عِنْدَکَ مُوَفَّرَةٌ وَ عَوائِدَ الْمَزیدِ مُتَواتِرَةٌ وَ

مَوآئِدَ المُستَطِعمینَ مُعَدَّةٌ وَ مَناهِلَ الظَّمآءِ مُتَرَعةٌ اَللّـهُمَّ فاستَجِبْ دُعآئِـی وَ اقبَل ثَـنآئِی وَ اجْـمَعْ بَـینی وَ بَـینَ اَولِیائِی بَحَقِّ مُحَمَدٍ وَ عِلِیٍ وَ فاطِمةَ وَ الَحَسِنَ وَ الحُسینِ اِنَّکَ وَلِیُّ نَعْمآئِی وَ مُـنتَهیٰ مُـناٰیَ وَ غـایَةُ رَجآئِـی فِـی مُنقَلَبِی وَ مَثوایَ در کامل الزّیارة بعد از این زیارت ایـن فقرات نیز مسطور میباشد:اَنتَ اِلهِیٰ وَ سَیّدیِ وَ مَـولایَ اِغفِرلأَولِیآئِنا وَ کُفَّ عَنّا اَعدآئَنا وَ اشْغَلهُمْ عَن اَذانا وَ اَظهِرْ کَلمِةَ الحِقِّ وَاجْعَلهَا العُلیا وَ اَدحِض کَلِمَةَ الباطِلَ وَ اجعَلهَا السُّفلیٰ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ.

پس حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام فرمودند هر که از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبرامیرالمومنین علی علیه‌السلام یا نزد قبر از ائمه بخواند البته حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا برد و مهر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را بر آن بزند و چنین محفوظ باشد تا تسلیم نماید به قائم آل محمد علیه‌السلام پس استقبال نماید صاحبش را به بشارت و تحیت و کرامت انشاء الله.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۹۴-۳۴-۴
طرح و اجرا: حمید رضایی
۰۹۱۲۴۵۱۵۱۱۰
انتشارات وثوق
۰۲۵۱ ۷۷۳۵۷۰۰
۰۹۱۲ ۲۵۲ ۲۳۷۷